

دانشگاه علامه طباطبائی

پایان نامه

کارشناسی ارشد

عنوان:

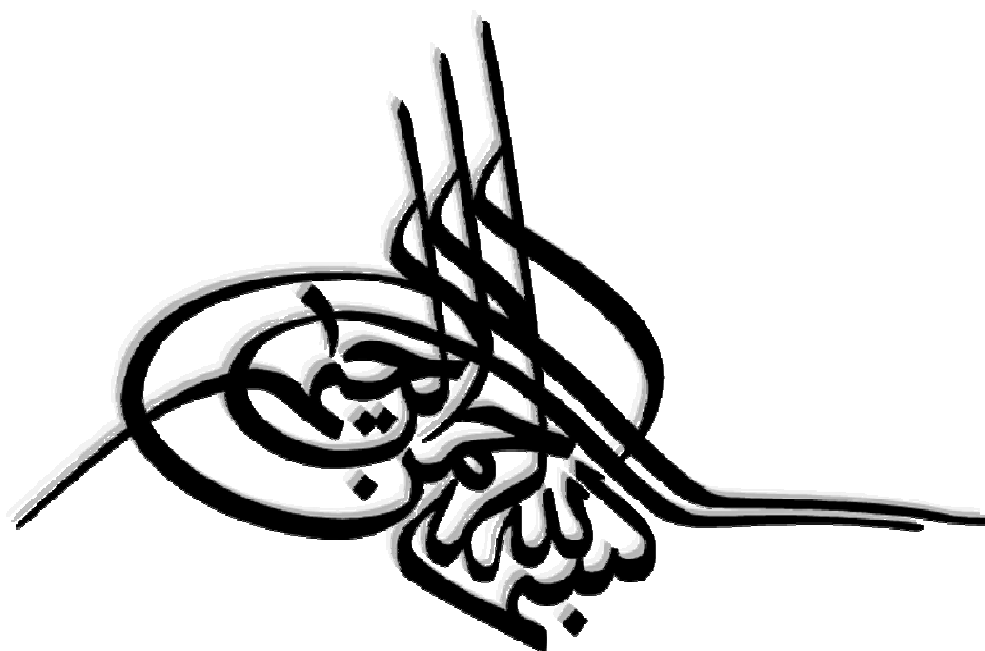
رویکرد آمریکا به تسلیحات استراتژیک در دوران بوش (۲۰۰۱-۲۰۰۹)

رشته: روابط بین الملل

استاد راهنما: دکتر غلامعلی چگنی زاده

استاد مشاور: دکتر دهقانی فیروز آبادی

نگارش: علی اصغر دهقانی



فصل اول - کلیات و مقدمه ----- ۶

- ۱-۱- طرح موضوع ----- ۷
- ۲-۱- سوال اصلی ----- ۹
- ۳-۱- مفروضات ----- ۱۰
- ۴-۱- فرضیه ----- ۱۲
- ۵-۱- بررسی متون موجود ----- ۱۳
- ۶-۱- سازماندهی تحقیق ----- ۱۴
- ۷-۱- تعاریف ----- ۱۵
- ۸-۱- مقدمه ----- ۱۸
- ۹-۱- چارچوب تئوریک بازاریابی ----- ۱۹
- ۱۰-۱- روش شناسی ----- ۲۲
- ۱۱-۱- منابع ----- ۲۴

فصل دوم - سیاست تسلیحاتی آمریکا در دوران جنگ سرد ----- ۲۵

- ۱-۲- بازاریابی ----- ۲۶
- ۲-۲- قرارداد منع آزمایش سلاحهای هسته ای در جو و در بستر دریاها ----- ۳۵
- ۳-۲- قرارداد مربوط به اصول حاکم بر فعالیتهای دولتها در استفاده از فضای ماورای جو ----- ۳۸
- ۴-۲- قرارداد عدم تکثیر سلاحهای هسته ای ----- ۳۹
- ۵-۲- اولین پیمان تحدید سلاحهای استراتژیک (سالت یک) ----- ۴۱
- ۶-۲- دومین پیمان تحدید سلاحهای استراتژیک (سالت دو) ----- ۴۴
- ۷-۲- قرارداد حذف موشکهای میان برد هسته ای ----- ۴۷
- ۸-۲- منابع ----- ۵۴

فصل سوم - سیاست تسلیحاتی آمریکا در دوران کلیتون ----- ۵۵

- ۱-۳- کلیتون، WMD و چند جانبه گرایی ----- ۵۶
- ۲-۳- آمریکا، چین: استراتژی اقدام از نوعی دیگر ----- ۵۹
- ۳-۳- پاکستان و اهداف آمریکا در جنوب آسیا ----- ۶۵
- ۴-۳- سیاست ضد تکثیر و گسترش ایالات متحده و حملات ۱۹۹۸ ----- ۷۰
- ۵-۳- حمله به سودان و افغانستان ----- ۷۱
- ۶-۳- دفاع مشروع با تلافی؟ ----- ۷۱

- ۷۵-----۷-۳- حمله به WMD عراق
- ۷۷-----۸-۳- کره شمالی مشکل بزرگ
- ۸۱-----۹-۳- کلیتون و معاهدات چند جانبه
- ۸۳-----۱۰-۳- منع تکثیر و گسترش
- ۸۶-----۱۱-۳- ضد تکثیر و گسترش
- ۸۸-----۱۲-۳- منابع

فصل چهارم- رویکرد آمریکا به تسلیحات استراتژیک در دوران بوش-----۸۹

- ۹۰-----۱-۴- بوش، نومحافظه کاران و سلاح های استراتژیک
- ۹۰-----۲-۴- ویژگیهای گروه سیاستگذاری بوش
- ۹۴-----۳-۴- وضعیت جدید جهانی شکل گیری سیاست خارجی دولت بوش
- ۹۶-----۴-۴- سیاستها و اقدامات
- ۱۰۱-----۵-۴- لغو معاهده ABM از سوی آمریکا
- ۱۰۴-----۶-۴- حمله به عراق
- ۱۰۶-----۷-۴- ابتکارات بوش
- ۱۰۸-----۸-۴- آمریکا و گسترش نقش امنیتی ناتو در جهان
- ۱۱۴-----۹-۴- سیستم دفاع موشکی
- ۱۱۶-----۱۰-۴- سامانه پدافند ضد موشکی آمریکا در نزدیک مرزهای روسیه
- ۱۲۴-----۱۱-۴- معاهدات بین المللی چندجانبه
- ۱۲۶-----۱۲-۴- تروریسم بین المللی
- ۱۲۹-----۱۳-۴- تروریسم و کشورهای سرکش
- ۱۳۴-----۱۴-۴- تروریسم و کشورهای ورشکسته
- ۱۳۷-----۱۵-۴- آینده بازدارندگی
- ۱۴۲-----۱۶-۴- منابع

فصل پنجم- بررسی اسناد بالادستی راهبردی آمریکا-----۱۴۴

- ۱۴۵-----۱-۵- تهدیدات جدید، فرصت های جدید
- ۱۴۹-----۲-۵- بازنگری در وضعیت هسته ای ۲۰۰۲
- ۱۵۲-----۳-۵- سه گانه جدید

۴-۵- ضد تکثیر ، ضد حمله با استفاده از سلاح های متعارف جنگ هسته ای ----- ۱۵۷

۵-۵- تضمین های امنیتی منفی ----- ۱۶۰

۵-۶- نتیجه گیری ----- ۱۶۵

۵-۷- منابع ----- ۱۶۹

منابع و ماخذ ----- ۱۷۰

ضمایم ----- ۱۷۴

ضمیمه یک : مقایسه هزینه های نظامی در دوره های مختلف ریاست جمهوری آمریکا ----- ۱۷۴

فصل اول

کلیات و مقدمه

طرح موضوع:

آمریکا بعد از جنگ سرد با چالش‌های جدیدی مانند گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم مواجه شده است. این کشور برای مقابله با این تهدیدات، میتواند از چه سلاحها و راهبردهایی استفاده کند؟ آیا می‌توان همانند دوران جنگ از طریق بازدارندگی و تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای جلوی این نوع تهدیدات را گرفت؟ دولت بوش برای مقابله با این تهدیدات دکتترین هسته‌ای آمریکا را تغییر داده و راهبرد جدید را در قالب بازنگری در وضعیت هسته‌ای بیان کرده است. این راهبرد نمایانگر نگرش دولت بوش نسبت به راهبرد بازدارندگی، مهار و دفاع در برگیرنده چگونگی روابط روسیه و آمریکا و پاسخ آمریکا به گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم است.

بازنگری در وضعیت هسته‌ای اولویت‌های جدیدی در سیاست خارجی و دفاعی آمریکا بوجود آورده است. این راهبرد هسته‌ای در برگیرنده چارچوب جدیدی بر روابط راهبردی بین آمریکا و روسیه و پاسخی به تکثیر فزاینده سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و موشک‌های بالستیک دوربرد است. برخلاف راهبردهای هسته‌ای قبلی، این راهبرد در برگیرنده پارادوکس‌های چندمی باشد. این راهبرد از یک طرف بر سلاح هسته‌ای آمریکا به مثابه سلاحی کاربردی در عرصه نبرد می‌نگرد و از طرف دیگر به مقدار زیاد از نیروهای هسته‌ای آماده می‌کاهد. از یک طرف نیاز احتمالی به انواع جدید سلاح‌های هسته‌ای و سیستم پرتاب را تصدیق می‌کند اما از طرف دیگر پیشنهاد می‌کند که سلاح‌های متعارف هدایت‌شونده می‌توانند بسیاری از وظایف سلاح‌های هسته‌ای موجود را انجام دهند. از یک طرف گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای را تهدید مهمی برای آمریکا نمی‌داند اما در عوض تهدیدات ناشی از سلاح‌های بیولوژیکی،

شیمیایی هسته ای ابتدایی توسط دولت های ضعیف و بازیگران غیر دولتی را با اهمیت جلوه می دهد.

در دوران مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ حامیان بوش ابراز داشتند حتی رژیم کنترل تسلیحاتی موجود بین روسیه و آمریکا دارای نتایج منفی است زیرا هدف آن کنترل و ضعیف تخصیص است و مانع ایی در برابر تعدیل در ساختار و دکترین نیروهای دوطرف به خاطر واقعیت های مالی و تهدیدات جدید محسوب می شود. از نظر مقامات دولتی، زمان تغییر نگرش نسبت به روسیه به عنوان دشمن بالقوه فرا رسیده است و برای مدیریت روابط راهبردی باید یک شیوه همکاری جویانه دیگری جستجو کرد.

بازنگری در وضعیت هسته ای و بررسی دفاعی دولت بوش خاطر نشان می کند که نابود سازی تضمینی دوجانبه در درازمدت نمی تواند مبنای قابل قبولی برای روابط راهبردی بین روسیه و آمریکا باشد. تحت هر شرایطی، نابودسازی تضمینی سلاح های روسیه دیگر نگرانی راهبردی بلند مدتی نیست که ذهن طراحان سیاست هسته ای آمریکا را به خود معطوف کرده باشد. وزارت دفاع آمریکا، در بیانیه اش درباره خلاصه غیرمحرمانه بازنگری در وضعیت هسته ای اظهار داشته اکنون آمریکا روابطه با روسیه بر مبنای نابودسازی تضمینی دوجانبه پایان یافته تلقی می گردد و اضافه کرده با توجه به وجود انواع همکاری ها مانند موردی که در چند ماه گذشته در مبارزه علیه تروریسم جهانی نشان داده شد، روابط مبتنی بر نابودسازی تضمینی دوجانبه مناسب به نظر نمی رسد. بازنگری در وضعیت هسته ای از این پیشتر صراحت دارد: (به واسطه این بررسی آمریکا دیگر تمایلی به طرحی بلند مدت برای افزایش یا حفظ نیروهای خود ندارد چون که روسیه به نسبت شوروی تهدیدی کمتری برای آمریکا محسوب می شود) به عبارت دیگر

از آنجا که روسیه و نیروهای هسته ای آن تهدید کوچکی برای آمریکا محسوب می شوند دیگر هدف اصلی و دکترین آمریکا، بازدارندگی روسیه نیست.

بازنگری در وضعیت هسته ای جدید یک مثلث راهبردی جدیدی را نشان داد که توانایی ضربه دقیق هسته ای و غیر هسته ای، دفاع های مثبت و فعال و بازسازی ساختار هسته ای را شامل می شود. نویسندگان بازنگری در وضعیت هسته ای سلاح هسته ای را جزئی از مجموعه توانایی های طراحی شده برای مقابله با تهدیدات ناشی از تکثیر سلاح های هسته ای، شیمیایی، بیولوژیکی و موشک های دوربرد تلقی می کنند. اگر چه چارچوب راهبرد جدید که توسط دولت بوش تدوین شده را باید نتیجه منطقی، سیاست های دوران بعد از جنگ سرد (یعنی کاهش بیشتر در نیروهای راهبردی، تحریک فزاینده در زمینه روابط مبتنی بر همکاری بین روسیه و آمریکا، دانست) اما مفهوم مثلث جدید نمایانگر تغییر عمده در دکترین راهبردی آمریکاست. اکنون مشخص گردید که بازدارندگی، دفاع و ضد حمله عناصر اساسی دکترین هسته ای آمریکا هستند. سرانجام اینکه دکترین در ساختار جدید نیرو انعکاس خواهد یافت اگر چه تصورات و برنامه ریزی هایی در زمینه ساختار این نیرو هنوز وجود ندارد.

سؤال اصلی:

فروپاشی نظام دو قطبی و ظهور تروریسم چه تغییراتی را در رویکرد آمریکا به تسلیحات استراتژیک ایجاد کرده است؟

مفروضات

برای پاسخ به این پرسش اشاره به چند مفروض لازم است:

۱- آنچه از اسناد معتبر مربوط به رفتار و سیاست خارجی ایالات متحده بر می آید اینست که سیاست خارجی آمریکا بیشتر با الگوهای تداوم مشخص می شود تا تغییر به عبارت دیگر در جهان پس از جنگ سرد چه در دوران ریاست جمهوری کلینتون و چه در دوران ریاست جمهوری بوش از سال ۲۰۰۰ تا کنون سیاست خارجی این کشور همواره با یک مفهوم شناخته می شود: پیگیری قدرت.

۲- فروپاشی^۱ اتحاد جماهیر شوروی و تزلزل اقتدار حکومتی در جمهوریهای جانشین آن به مشکلات تکثیر و تولید سلاحهای کشتار جمعی کمک نمود. کشورهایی که رسماً به ضمانتهای امنیتی شوروی یا ایالات متحده متکی بودند، در این زمان احساس کردند که بی پناه تر^۲ و ناامن تر شده اند و همین احساس از یک سو انگیزه را برای توسعه سلاحهای کشتار جمعی (WMD) افزایش داد و از سوی دیگر، رژیمهای جهانی منع تکثیر و گسترش^۳ را با تهدید روبرو ساخت.

۳- دست کم سه عامل عمده، اساس تأکید مجدد بر تکثیر و گسترش را در جهان پس از جنگ تشکیل داد: اول، کاهش تهدید نظامی ناشی از اتحاد جماهیر شوروی، اهمیت نسبی قدرتهای کوچکتر را بویژه اگر با سلاحهای کشتار جمعی مسلح شوند، ارتقاء بخشید؛ دوم، روندهای جاری سیاست بین الملل پیشرفتهای تکنولوژیکی، تهدید نسبت به امنیت بین الملل ناشی از تکثیر و گسترش WMD را افزایش داد؛ و سوم، فرصتهای جدیدی در جهت ارتقاء رژیمهای بین المللی با هدف ریشه کن ساختن و یا توقف تکثیر و گسترش فراهم شد.

¹ - Breakup

² - More Exposed

³ - The Global Nonproliferation Regimes

۴- فعالیت غالب حقوق بین الملل در مورد WMD، مذاکره^۱ و اجرای پیمانهای کنترل تسلیحات بوده است. در این راستا رویکرد کنترل تسلیحات این موضوعات را پیگیری کرده است: جلوگیری از استفاده دولتها از WMD (پیمانهای کنترل تسلیحات هسته ای بین ایالات متحده و اتحاد شوروی)؛ منع استقرار و آزمایش WMD در مناطق معین (پیمانهای منع کننده WMD در مدار یا بستر دریا و اقیانوس)؛ ایجاد خلع سلاح WMD (پیمانهای منع کننده توسعه و کاربرد سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی).

۵- آنچه مسلم است این که ایالات متحده یکی از بنیانگذاران و بانیان اصلی رژیمها اصلی و رویکردهای چند جانبه معطوف به حل مسایل جهانی بوده است، ولی مواردی قابل احصاء است که آمریکا در مسیر این رژیمها به ایجاد موانع پرداخته و دو رویکرد (عدم الحاق) و یا خروج از رژیمها و معاهدات را اتخاذ کرده است که در مورد نخست می توان کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی^۲ یا پیمان منع جامع آزمایشات هسته ای و در مورد دوم پیمان ضد موشک های بالستیک را نام برد.

۶- سیاستها و رویکردهای قدرتهای بزرگ (متغیر مستقل) در تعامل با نظام بین الملل، امنیت بین الملل (متغیر وابسته) را متاثر ساخته و آنرا تضعیف یا تقویت می نماید.

آنچه از شش مفروض گفته شده برمی آید اینست که ایالات متحده که از جنگ سرد به عنوان یک قدرت جهانی برتر در نظام بین المللی که شبیه یک قطبی بود سربرآورد، پیوسته بطور فعالانه ای در پی حفظ برتری بین المللی^۳ بوده است.

^۱ - Negotiation

^۲ - Chemical Weapons Convention(CWC)

^۳ - Internatinal Primacy

لکن با فروپاشی شوروی دورانی آغاز شد که به گفته ریچارد هاس^۱ (عدم قطعیت^۲) از مشخصات آن بود و تهدیدات بسیاری برای امنیت جهانی و تنها ابر قدرت جهانی^۳ باقی مانده مطرح ساخت که سلاحهای کشتار جمعی (WMD)^۴ مهمترین آنها بوده و هست. در تقابل با این تهدید، ایالات متحده مجبور شد رویکردهایی را مدنظر قرار دهد که در چارچوب فایده-زیان از عقلانیت مطلوبی برخوردار و ضمن رفع تهدیدها، منافع آمریکا را تأمین کند. بنابراین در چارچوب بحث این پایان نامه، در دوران بیل کلینتون (۱۹۹۲-۲۰۰۰) و جورج دبلیو بوش (تا کنون-۲۰۰۰) به ترتیب ما شاهد رویکرد چند جانبه گرایانه که مبتنی بر توجه به پیمانها، موافقتنامه ها و رژیمهای چند جانبه است و یکجانبه گرایانه که مبتنی بر انکار کارایی^۵ کنترل تسلیحات موجود و ترتیبات منع گسترش چند جانبه است می باشیم.

فرضیه:

بروز شرایط جدید، رویکرد آمریکا به تسلیحات استراتژیک را دگرگون ساخته و این کشور را در مسیر تفوق هسته ای و برتری استراتژیک قرار داده است.

بررسی متون موجود

با توجه به اینکه زمان زیادی از انقضای دوران ریاست جمهوری جورج بوش سپری نگشته است، متون جامعی به زبان فارسی در مورد ارزیابی سیاستهای

^۱ - Richard Hass

^۲ - Uncertainty

^۳ - The sole Global Power

^۴ - Weapons of Mass Destruction

^۵ - Effectiveness

تسلحاتی استراتژیک در دولت ایشان انتشار نیافته است. و اینجانب ناگزیر به مطالعه تعداد زیادی از متون (عمدتاً به زبان انگلیسی) و انعکاس بخشهای مرتبط با موضوع انتخابی خود در پایان نامه می باشم. از این لحاظ می توان گفت که جمع آوری اطلاعات مرتبط و نگارش پایان نامه ای با این موضوع کار جدید است.

۱- The End of MAD; The Nuclear Dimension of U.S. Primacy

نویسنده: Keir A. Lieber and Daryl G. Press

موضوعات مطروحه در سند:

در این مقاله نویسنده استدلال می کند که با پایان جنگ سرد و افول ابرقدرت شرق بدلیل مشکلات روسیه این کشور توانایی رقابت با آمریکا را نداشته و در نتیجه عمر MAD به پایان رسیده است.

۲- Nuclear Superiority; The new traid and the evolution of nuclear strategy

نویسنده: David S mcdonough

موضوعات مطروحه در سند:

در این مقاله نویسنده با ارائه آمار واطلاعات مختلف، به بررسی نسبت قدرت کنونی آمریکا با سایر کشورهای جهانی پرداخته و از بررسی استراتژیک مطلق این کشور سخن به میان می آورد.

۳- The Future of American Power; How America Can Survive The rise of the Rest

نویسندگان: Fareed Zakaria; Fereign Affairs

موضوعات مطروحه:

در این مقاله نویسنده به بررسی قدرت آمریکا پرداخته و با ارائه پیش بینی از آینده جهان، به بررسی انتخاب، پیش روی آمریکا می پردازد.

با مطالعه متون موجود، جنبه های مختلف رویکرد آمریکا بر تسلیحات استراتژیک در دوران اخیر مورد بررسی قرار گرفته و مشخص گردیده اند. هریک از نویسندگان با نگاه تیزبین خود، به بررسی بخشی از این روند پرداخته و آنرا با ارائه آمار و اطلاعات مختلف و مفید مستند نموده اند.

ولیکن هیچیک از این کارها به مقایسه رویکرد کشور آمریکا در دوره های مختلف و ارزیابی روند سیاست تسلیحاتی این کشور پرداخته است. در واقع این اسناد عمدتاً به بررسی بخشی از هدف پایان نامه حاضر پرداخته اند و اینجانب چکیده تمامی این مطالب را گردآوری کرده و در کنار هم قرار داده ام.

سازماندهی تحقیق

این تحقیق در چهار فصل سازماندهی شده است. فصل اول با معرفی مختصر دیدگاههای کلی آمریکا در ۵۰ سال اخیر نسبت به سلاحهای کشتار جمعی (WMD) به توضیح سئوال اصلی، مفروضات و فرضیه تحقیق پرداخته و روش تحقیق را نیز توضیح خواهد داد.

فصل دوم به بررسی رویکرد آمریکا به تسلیحات هسته ای در دوران جنگ سرد خواهد پرداخت.

فصل سوم با تفصیل اقدامات دولت کلینتون برای مقابله با تهدید سلاحهای کشتار جمعی و رویکرد نظری و عملی آن خواهد پرداخت.

و در نهایت فصل چهارم با بررسی اجمالی نظریات دولت بوش در خصوص نظام بین الملل به تشریح رویکرد تیم نومحافظه کار رئیس جمهور آمریکا نسبت به WMD می پردازد.

تعاریف

این بخش اصطلاحاتی که در سراسر این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند را توضیح می‌دهد. این اصطلاحات؛ سلاح‌های کشتار جمعی (WMD)، سیاست‌های منع تکثیر^۱ و ضد گسترش^۲، اقدام پیشگیرانه^۳ و پیشدستانه^۴ و رویکردهای یکجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی را در بر می‌گیرد.

سلاح‌های کشتار جمعی (WMD): بطور سنتی تسلیحات هسته‌ای، را در بر می‌گیرند. موشک‌ها اغلب بواسطه کارآیی آنها به این لیست اضافه می‌شوند. اگر چه بدون کلاهک‌های WMD^۵ از بعد نظامی موثر نباشند. این سلاح‌ها دارای سه ویژگی خطرناک هستند: قابلیت مرگباری بسیار زیاد، قابل حمل بودن و در دسترس بودن وجود این سه ویژگی در جنگ افزارهای کشتار جمعی، این سلاح‌ها را به خطرناکترین معضل امنیتی دراز مدت برای امنیت ملی کشورها و امنیت بین‌المللی تبدیل کرده است.

منع تکثیر و گسترش (non-Proliferation): بطور سنتی، رویکردهای نظیر کنترل تسلیحات^۶، محدودیتهای صادراتی در مورد تکنولوژی یا قابلیت کارکرد دوگانه^۷، و تلاش‌های دیپلماتیک با هدف مشروعیت زدایی^۸ از تکثیر و گسترش را شامل می‌شود. از آنجایی که جلوگیری از حملات WMD، زمانی که دشمن از تسلیحات و سیستم‌های پرتاب آن برخوردار است مشکل می‌باشد، ایالات متحده بر پیشگیری از سود بردن و بهره‌مند شدن دشمنان از چنین تسلیحاتی از طریق استراتژی منع تکثیر و گسترش تاکید کرده است. از اوایل دهه

¹ - Non-Proliferation Policy

² - Counter- Proliferation

³ - Preventive action

⁴ - Pre-emptive action

⁵ - Wathas

⁶ - Export Restrictions

⁷ - Dual- Use Technology

⁸ - Delegitimize

۱۹۹۰، در کنار سیاست منع تکثیر و گسترش WMD، ایالات متحده مولفه جدیدی به سیاست قدیمی خود افزود: ضد تکثیر و گسترش. ضد تکثیر و گسترش (Counter-Prolifration) به عنوان فعالیتهای وزارت دفاع از طریق طیف وسیعی از تلاشهای ایالات متحده برای مبارزه با تکثیر و گسترش، از جمله دیپلماسی، کنترل تسلیحات، کنترلهای صادراتی، و جمع آوری و تحلیل اطلاعات تعریف شده است. این تعریف اگر چه به نظر می رسد در بسیاری از جنبه ها با منع تکثیر و گسترش تداخل داشته باشد، اما در تلاشهای وزارت دفاع متمرکز می شود.

این تحقیق سیاست ضد تکثیر و گسترش را به مثابه عقب راندن (Rolling back) برنامه تولید، با تمرکز و تاکید بر حملات نظامی ارزیابی و تعریف می کند.

ایالات متحده حملاتی را در مواردی با بکاربردن دکترین قانون دفاع مشروع پیشدستانه توجیه کرده است. دفاع مشروع را به عنوان کاربرد قانونی زور(در اساس، ضد زور) که تحت شرایطی از سوی حقوق بین الملل شرح داده شده، در پاسخ به کاربرد غیرقانونی پیشین زور(یا دست کم یک تهدید) توصیف می کنند. Counter-Prolifration به طیف وسیعی از تدبیرها و فعالیتهای نظامی برای بازداشتن، شکست دادن و دفاع در تقابل تهدید ناشی از دشمنان مسلح به WMD اشاره دارد. عناصر سه گانه و مهم این استراتژی(بازدارندگی، پیشگیری، دفاع و کاهش) اگر چه در دولت کلینتون در رأس الویتهای وزارت دفاع بود، لکن در دولت بوش(پسر) از جایگاه متفاوتی برخوردار شد.

یکجانبه گرایی^۱: به اقداماتی گفته می شود که از سوی یک کشور منفرد بجای همکاری بین المللی انجام شود. اقدامات یکجانبه منع تکثیر و گسترش بر بازداشتن کشورهای دیگر از تحصیل WMD تأکید می کنند و می توانند فشار دیپلماتیک، انگیزه هایی نظیر تهیه تسلیحات متعارف یا دستیابی به تکنولوژی، ضمانتهای امنیتی (نظیر اتحادیه ها یا گسترش بازدارندگی)، ممنوعیت حمل WMD از طریق کشتی ها، و حملات نظامی علیه تسلیحات و امکانات برای جلوگیری کشورها از توسعه WMD را شامل شود. اقدامات یکجانبه ضد گسترش نیز بر بازداشتن یا دفاع در مقابل کاربرد WMD متمرکز می شود.

اقدامات دفاعی انفعالی^۲: نظیر دفاع غیرنظامی و ایمن سازی^۳ نیروها در مقابل مقابل عوامل بیولوژیک^۴ اقدامات دفاعی فعالانه^۵ نظیر دفاع موشکی بالستیک^۶، حملات ضد نیروی متعارف^۷، در برابر توانمندیهای WMD و سیستمهای پرتاب پرتاب دشمن، و نیروهای نظامی تهاجمی (متعارف و هسته ای) که قادر به بازداشتن از کاربرد WMD هستند در زمره اقدامات یکجانبه قرار می گیرند. هواداران اقدامات یکجانبه منع تکثیر و گسترش در دولت بوش معتقدند که بخش بزرگی از موفقیت و اعتبار اقدامات منع تکثیر و گسترش مدیون اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی ایالات متحده است و پیمانهای چند جانبه، کنترل صادرات و همکاری قدرت های بزرگ زمانی که از سوی قدرت و دیپلماسی ایالات متحده تقویت و تحکیم شده اند، از حداکثر تاثیر گذاری برخوردار بوده اند.

1 - Unilateralism

2 - Passive Defense Measures

3 - Vaccination

4 - Biological Agents

5 - Active Defense Measures

6 - Ballistic Missile Defense

7 - Conventional Counter-force Attacks

چند جانبه گرایی: بسیاری، سه مجموعه ابزار پیمانهای چند جانبه، رژیمهای کنترل صادرات، و همکاری قدرتهای بزرگ را به مثابه یک رویکرد مکمل به تکثیر و گسترش تلقی کرده و آنرا تحت نام چند جانبه گرایی می خوانند آنها براین باورند که پیمانهای منع تکثیر و گسترش چند جانبه برخی طبقات تسلیحات (تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک) را ممنوع خواهد ساخت، تلاشهای مربوط به تحصیل WMD را افشاء کرده و ابزارهای بازرسی پایبندی^۱ را ارایه می دهند. کنترل صادرات بیرون ماندن از رژیمهای منع تکثیر برای دولتها یا آنهایی که در صدد نقض^۲ تعهدات پیمانی خود در تحصیل WMD یا تکنولوژی WMD هستند را سخت تر می سازد. همکاری قدرتهای بزرگ نیز از ظرفیت تبدیل شدن به مکانیزم اجرایی^۳ برای مجازات^۴ یا بازداشتن دولتهایی که در تعقیب نقض هنجارهای منع تکثیر و طفره رفتن از کنترلهای صادراتی هستند برخوردارند.

¹ - Compliance

² - Violate

³ - Enforcement Mechanism

⁴ - Punish

مقدمه

در سراسر تاریخ بشر قدرت نظامی به مثابه آخرین مرحله محاورات در نظر گرفته شده است. از این رو دولتمردان همیشه کسب قدرت اضافی را هدف اصلی و اساسی و بدیهی خود تلقی کرده و تقویت بنیه دفاعی کشور را در اولویت نخست برنامه کلان امنیتی قرار داده اند. به این دلیل تا جنگ جهانی دوم عیار سنجش قدرت حکومتها بر مبنای توانایی دفاع و قابلیت تأمین منافع جمعیت سرزمین خودی در برابر حملات و تهدیدات خارجی ارزیابی و اندازه گیری می شد. دستیابی به نیروی هسته ای پس از جنگ جهانی دوم اعتبار و اهمیت این سنخ از معیار سنتی را بکلی از بین برد. به طوری که افزایش روز افزون توانمندی نظامی دیگر لزوماً توانایی حمایت از جمعیت و سرزمین را تضمین نمی کرد. (۱) آسیب پذیری کشورها بر اثر استفاده از نیروی هسته ای بعد جدیدی بر وظایفی که بر عهده نهادهای نظامی است، افزود و به جای پیروزی در مخاصمات، ممانعت از جنگ به صورت هدف قدرتهای هسته ای درآمد.

هنگامی که سلاحهای هسته ای از مرحله طرح به شکلی فزاینده ای به مرحله تولید وارد شد، مهمترین و تعیین کننده ترین تأثیر آن افشای این حقیقت بود که جنگ تمام عیار سنتی دیگر نمی تواند به عنوان ابزار عقلایی سیاست بین الملل محسوب شود. چرا که تغییر و تحولات کمی و کیفی صورت گرفته، بویژه تولید سلاحهای هسته ای و کاربرد گسترده آنها، ماهیت و طبیعت جنگ و سیاست را دستخوش تغییرات انقلابی کرد و در عین حال متقابلاً قابلیت انعطاف پذیری سیاست بین الملل را تشدید نمود. (۲)

چارچوب تئوریک بازدارندگی

رویاری دو قدرت شوروی و آمریکا بر سر مسائل بین‌المللی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که رهبران سیاسی- نظامی دو کشور متقاعد شده‌اند که تنها راه دفاع از کیان خود دستیابی به تسلیحات نظامی پیشرفته‌تر از سلاح دشمن است. اعتقاد به ضرورت دستیابی به آخرین سیستم‌های نظامی، این کشورها را از یک سو در مسیر رقابتهای توانفرسا گرفتار کرد و از سوی دیگر آنها را به خویشتن‌داری و مصالحه و محاوره واداشت. به وجود آمدن این دوگانگی بر اهمیت مطالعه بازدارندگی افزود. به این علت در مدت زمانی کوتاه دهها کتاب و مقاله در زمینه مسائل نظامی و استراتژیک به قلم محققان نظامی، سیاستمداران و استادان آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی روابط بین‌الملل نوشته و به بازار عرضه شد. به رغم وجود رهیافتهای مختلف و با وجود تفاوت نظری بین نظام‌گرایان (طرفداران نظریه سیستمی)، جزء‌گرایان، واقع‌گرایان (رآلیستها) و سنت‌گرایان، درک مشترکی درباره سلاحهای هسته‌ای و تهدید جنگ اتمی به وجود آمد. به نوشته کن بوث مشخصات کلی استراتژی هسته‌ای یا درک مشترک از این استراتژی شامل موارد ذیل است:

((ارتقاء بازدارندگی متقابل به نظام یک‌دکترین والا، جابجایی اندیشه اتوپیایی خلع سلاح با مفهوم کم‌طمطراق‌تر اما قابل‌اجرا تر کنترل تسلیحات، تأکید بر اینکه زور هنوز عامل مهمی در شکل‌دهی به سیاست بین‌المللی است و باور به اینکه بجز درگیری تمام‌عیار هسته‌ای، جنگ، به شرط حفظ حدود آن، دارای سودمندی سیاسی است. استراتژیستهای هسته‌ای نسبت به درجه تأثیر ارتباطات نگرانی داشتند و ضرورت مراودات و چانه‌زنیهای سیاسی آشکار را مورد تأیید قرار می‌دادند و در آخر، استراتژیستها هم از اعتماد به نفس مختص عالمان علوم